

## درس ششم

### ارتباط منطق با سایر علوم (برای مطالعه)

نحوه تعامل منطق با سایر علوم، چگونگی داد و ستد آن با سایر دانش‌ها، آشنایی با مرتبه دانش منطق و اینکه در نظام آموزشی بر کدام دانش‌ها مقدم و از کدام موخر می‌باشد، از جمله مطالبی است که در زمره فلسفه علم منطق و مبادی آن می‌باشد. با فراگیری این مطالب دانش‌پژوه می‌تواند با بینش و انگیزه بیشتری به یادگیری این دانش همت نماید.

رابطه منطق با دیگر دانش‌های بشری را در دو ساحت «معرفتی» و «آموزشی» می‌توان

بررسی کرد:

۱. معرفتی: همان‌طور که دانستیم، علم منطق، از جمله علوم ابزاری و مقدماتی است که ناظر بر قواعد عام اندیشه است و رسالت خطاسنجی تفکر را به دوش می‌کشد. از این رو، تمام دانش‌های دیگر به آن محتاج‌اند و آن را «خادم علوم» نامیده‌اند. علم منطق به عنوان یک «روش»، وام‌دار هیچ دانش دیگری نیست؛ زیرا هر دانشی دست‌کم در «چگونگی تعریف مجهولات» و نیز «درستی استدلال‌های خود» نیازمند به علم منطق است؛ ولی منطق در ارائه روش‌های صحیح اندیشه، به هیچ دانشی نیازمند نیست.

در اینجا سوالی قابل طرح و بررسی است و آن اینکه نسبت دانش‌هایی مانند فلسفه و معرفت‌شناسی<sup>۱</sup> با دانش منطق چیست؟

از آنجا که پاسخ دقیق و تفصیلی به این پرسش، نیازمند برخی مقدمات پیچیده فلسفی و معرفت‌شناختی است و بررسی آن از حوصله و سطح کتاب حاضر خارج است، در اینجا به آن پرداخته نمی‌شود.

۲. آموزشی: به لحاظ آموزشی نیز جای این سؤال است که: مرتبه علم منطق چیست؟ به لحاظ تحصیلی بر کدام علوم مقدم و از چه علوم مؤخر است؟

بسیاری از گذشتگان بر این باور بودند که علم منطق را باید بعد از آموختن «ریاضیات» و «تهذیب نفس» فراگرفت؛ زیرا پس از ریاضت دادن توسن نفس به ریاضیات، خردورزی در شخص تقویت شده و بدین سان وی برای دریافت مباحث منطقی، آماده می‌شود. از سوی دیگر اگر دانش پژوه به فضایل اخلاقی آراسته نباشد، چه بسا از توانمندی فکری حاصل از منطق، در راه ناصواب، بهره‌گیرد و به جای به‌کار بردن استدلال‌های صحیح و پرهیز از سخن ناصواب، در دام تزویر گرفتار شود و موجب گمراهی خود و دیگران شود. با این حساب هنگامی یادگیرنده صلاحیت فراگیری دانش منطق را دارد که در خود آمادگی‌های لازم فکری و معنوی را از طریق فراگیری ریاضیات و تربیت نفس، ایجاد کرده باشد.

برخی از متأخران آموختن علم ادب (صرف، نحو، معانی، بیان و...) را مقدم بر منطق، فلسفه، کلام و سایر علوم استدلالی دانسته‌اند.

۱. معرفت‌شناسی (Epistemology) به عنوان شاخه‌ای خاص از علوم فلسفی، سابقه‌ای کهن ندارد. جان لاک (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴م) و لایب‌نیتس (۱۶۴۶ - ۱۷۱۶م)، نخستین کسانی هستند که مسائل معرفت‌شناسی را به‌طور منظم و مستقل مورد بحث قرار داده‌اند. در فلسفه و منطق اسلامی، مباحث معرفت‌شناسی در ابواب گوناگون به‌طور پراکنده مطرح شده است و بسیاری از آنها صبغه وجود‌شناسانه و نه معرفت‌شناسانه دارد؛ همچون بحث از مجرد یا مادی بودن علم و ادراک، اتحاد عالم و معلوم و مانند آنها.